

الین پیگلز

پولس گنوسی

تفسیر گنوسی از نامه‌های پولس

ترجمه

ماشالله کوچکی میدی

حمید هاشمی کهندانی

پولس گنوسی

پولس گنوسی

تفسیر گنوسی از نامه های پولس

الین پیگلز

ترجمه

ماشالله کوچکی میدی

و

حمید هاشمی کهندانی



سرشناسه: پیگلز، الین اچ.، ۱۹۴۳ - م.

عنوان و نام پدیدآور:

پولس گنوسی: تفسیر گنوسی از نامه های پولس / الین پیگلز؛

ترجمه ماشاءالله کوچکی میبیدی، حمید هاشمی کهندانی.

مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۲

مشخصات ظاهری: ۲۲۱ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ م.س.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۸۲۵-۹۵-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

عنوان دیگر: تفسیر گنوسی از نامه های پولس.

موضوع: کتاب مقدس. عهد جدید. رساله های پولس -- نقد و تفسیر / گنوستیسیسم / والرات ها

شناسه افزوده: کوچکی میبیدی، ماشاءالله، ۱۳۴۱ -، مترجم

شناسه افزوده: هاشمی کهندانی، حمید، ۱۳۶۳ -، مترجم

رده بندی کنگره: BS۲۶۵۰/۲

رده بندی دیویی: ۲۲۷/۰۶۰۹۰۱۵

شماره کتاب شناسی ملی: ۹۱۸۹۷۷۱

پولس گنوسی

الین پیگلز، ترجمه ماشاءالله کوچکی میبیدی و حمید هاشمی کهندانی

ویراستار: محمد عرفان کوچکی میبیدی

طراح جلد: مانی خنیاگر

چاپ اول:

شابک:

شمارگان:

۱۴۰۲

۵۰۰



تمامی حقوق این اثر محفوظ است. -- یزیدریه -- جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از مترجم ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴ ۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

تقدیم به:

هینز

تقدیم به:

روح و روان

اولین پولس زندگی

اولین گنوستیک عاشق،

زنده یاد، «پدر».

فهرست مطالب

۱	پیش‌گفتار
۵	مقدمه
۱۹	فصل اول: رومیان
۷۳	فصل دوم: یکم قرن‌تیاں
۱۲۵	فصل سوم: دوم قرن‌تیاں
۱۳۳	فصل چهارم: غلاطیان
۱۵۱	فصل پنجم: افسسیان
۱۷۳	فصل ششم: فیلیپیان
۱۷۷	فصل هفتم: کولسیان
۱۸۱	فصل هشتم: عبرانیان
۱۹۹	نتیجه: تفسیر گنوسی از نامه‌های پولس
۲۰۹	فهرست منابع

پیش‌گفتار

انگیزه اولیه من از پژوهش حاضر بررسی الگوها و اصول اندیشه‌ورانه حاکم بر تفسیر والنتینی‌ها از پولس در تقابل با پدران گنوسی‌ستیز تاریخ مسیحیت بود. ولی با پیشرفت مسیر تحقیق و کشف شواهد تازه متوجه شدم مسئله تفسیر والنتینی بسیار پیچیده‌تر از حوصله این مقال تحقیقی است. مثلاً کدکس یازده یک، که به زودی در مجموعه کتاب‌خانه نجع حمادی منتشر خواهد شد، حاوی برخی آرای علمای بدعت‌ستیز است که توضیح می‌دهند کدام مسائل الاهیاتی بین آموزگاران والنتینی تفکیک ایجاد می‌کند و چطور می‌توان آنها را از هم تمییز داد. بررسی مناقشات بین علمای والنتینی و بنیان‌های تفسیری‌شان، تحقیقی گسترده‌تر و جدی‌تر از تحقیق حاضر می‌طلبد. بر این اساس، قلمرو تحقیق حاضر را به کشف الگوی ثابت و اصلی که در تفسیر والنتینیان به طور کلی دیده می‌شود محدود کردم. امیدوارم تحقیق‌های بیشتری به بررسی تفاوت‌های تفسیری و الاهیاتی بین مکاتب والنتینی بپردازند.

بدون همکاری افراد ذیل که کمک‌های گسترده‌ای به من کردند انجام دادن این پروژه ناممکن بود. هلموت کوستر^۱ که استاد پایان‌نامه من بود تشویق‌ها و انتقادهای سازنده‌ای کرد که در فرآیند انجام دادن این تحقیق و نوشتن آن بسیار مهم بود. از جان

استروگنل^۱ به دلیل پیشنهاد ساختار اولیه این کتاب بسیار ممنونم. مورتون اسمیت^۲ کمک‌ها و پیشنهادهای شایانی کرد که در سازمان‌دهی موضوعات تحقیقی این کتاب بسیار مهم بود. استاد ژیل کویسپل^۳ و جورج مک‌ری^۴ دستاوردهای تحقیقی تازه و فرصت‌های خوبی برای بررسی مسائل برای من فراهم کردند که بسیار از ایشان ممنونم. سیریل ریچاردسون^۵، رابرت کرافت^۶ و بیرگر پیرسون^۷ در جریان تحقیق بازخوانی بخش‌هایی از آن را بر عهده گرفتند و پیشنهادهایی دادند که در بازبینی محتوا بسیار مفید بود. آن مک‌گوایر^۸ ترجمه‌ها را بررسی و بعضاً بازبینی کرد؛ او و نانسی کارلین^۹ به تدوین نسخه اولیه این متن کمک شایانی کردند. همکاران و دوستان دیگر، مخصوصاً ثودور گاستر^{۱۰} و اعضای سمینار عهد جدید کلمبیا، کمک‌هایی کردند که بابت آن بسیار ممنونم. در هر جا که از رعایت اصولی که استادان و همکاران پیشنهاد کردند بازمانده‌ام تقصیر آن متوجه من است؛ از کمک آنها بسیار ممنونم.

در دو سالی که مشغول انجام دادن این تحقیق بودم از کمک این افراد و مؤسسات کمال تشکر را دارم: منبع ملی علوم انسانی به دلیل بورس تابستانی ۱۹۷۳، بنیاد ملون^{۱۱} به دلیل مشارکت در فعالیت‌های تابستانی مؤسسه مطالعات علوم انسانی اسپن^{۱۲} در سال ۱۹۷۴، خانم و آقای جوزف اچ. هازن^{۱۳} که علاقه‌مندی‌شان به تحقیقات علمی و حمایت گسترده‌شان از تحقیقات تابستانی ۱۹۷۵ در مؤسسه اسپن اسباب تشویق من بوده است، اعضای کمیته سفر و تحقیقات کالج بارنارد^{۱۴}، دین لیروی بروینگ^{۱۵}

-
1. John Strugnell
 2. Morton Smith
 3. Gilles Quispel
 4. George Macrae
 5. Cyril Richardson
 6. Robert Kraft
 7. Birger Pearson
 8. Anne McGuire
 9. Nancy Carlin
 10. Theodor Gaster
 11. Mellon
 12. Aspen
 13. Joseph H. Hazen
 14. Barnard
 15. Dean Leroy Breunig

معاون پژوهشی و مارتا پترسون^۱ رئیس دانشکده به دلیل توجه به فعالیت‌های دانشکده بارنارد و حمایت علمی از آن.

همین‌طور از ماری سولاتزو^۲ و اوا پسوا^۳ به دلیل کمکی که در آماده‌سازی و حروف چینی نسخه دست‌نویس انجام دادند.

این کتاب را با عشق به شوهرم هاینس آر. پیگلز^۴ تقدیم می‌کنم و به سبب همراهی عاشقانه و درک او در طول انجام دادن این تحقیق، که هم‌زمان با تحقیقات خودش در فیزیک نظری بود بسیار ممنونم.

1. Martha Peterson
2. Mary Solazzo
3. Eva Pesova
4. Heinz R. Pagels

مقدمه

هر کس با ادبیات تحقیق در زمینه عهد جدید آشنا باشد می‌پذیرد که پولس یکی از مخالفان بدعت گنوسیان است. پولس نامه‌های خود، مخصوصاً نامه به فیلیپیان و قرنتیان را برای نقد گنوسیه و رد آرای مسیحیان گنوسی در باب «خرد مخفی» می‌نویسد؛ اشمیت‌هالز^۱ در تحقیقات اخیر خود (گنوسیه در قرن ۲، ۱۹۷۱؛ پولس و گنوسیه، ۱۹۷۲) این نظر را دارد. اصول اعتقادی‌ای که پولس تعلیم می‌دهد «تصلیب مسیح» (یکم قرنتیان ۲: ۲)، تنذیر از پیشگاه عدل الهی، رستاخیز جسمانی و اولویت عشق به گنوس است که تمام اینها نشان می‌دهد موضعی کاملاً مسیحی در مقابل مخالفان گنوسی‌اش اتخاذ کرده است. بولتمان^۲ (الاهیات عهد جدید، ۱۹۴۷) می‌گوید «از نظر پولس، رسولانی که در قرن جنبش روحانی گنوسی به راه انداخته‌اند نااهل‌اند ... کلیسای مسیحی آنها را رسول مسیح می‌دانست ولی پولس آنها را کارگزاران شیطان می‌دانست که به هیئت رسول مسیح درآمده‌اند» (دوم قرنتیان ۱۱: ۱۳). بورنکام^۳ (پولس، ۱۹۶۹) می‌گوید پولس مثل لوثر «مدعیان نفخه روحانی» را افراد «خشک مغز» می‌داند و می‌گوید «عنصر خطرناک»ی هستند که او در کلیسایش با آنها مقابله

1. Schmithals

2. Bultmann

3. Bornkamm

می‌کند. بورنکام سپس می‌افزاید رسول مسیح با خرد مخفی و گنوسی که آنها تعلیم می‌دهند «به تندی مقابله می‌کند».

اگر این تصویر از پولس درست باشد تفسیر گنوسیان سده دوم از پولس بسیار شگفت‌انگیز است. چون نویسندگان گنوسی نه تنها جان کلام پولس را درک نمی‌کنند بلکه نامه‌های او را به عنوان منبع اصلی الاهیات گنوسی خود معرفی می‌کنند. نحشیه و والتینیان به جای اینکه پولس را دشمن اصلی خود بگیرند و از او اعلام براءت کنند او را رسولی معرفی می‌کنند که خود به کیش گنوسی است و بیش از سایر رسولان مسیح به این سوگرایش دارد. به ویژه والتینیان می‌گویند سنت خفیه‌شان مشخصاً به گنوس و خرد خود پولس تکیه دارد. به قول کلمنت «آنها می‌گویند والتینوس از تئوداس درس آموخته، و تئوداس خود شاگرد پولس بوده است». آنجا که بطلمیوس، شاگرد والتین، برای فلورا از سنت رسولان مسیح سخن می‌گوید که سینه به سینه منتقل شده است به همین سنت خفیه در باب منجی اشاره می‌کند که از پولس گرفته است. والتین خود همواره (در پاره متونی که از او در دست است و نیز اغلب در انجیل حقیقت، در صورتی که بنا به رأی اچ. سی. اچ. پوئش^۱ و جی. کویسپل، والتین نویسنده آن باشد) به پولس اشاره می‌کند؛ شاگردانش بطلمیوس، هرقلیون و تئودوتوس (به اندازه ایرنایوس، ترتولیان و کلمنت) پولس را می‌ستایند و او را «رسول مسیح» می‌خوانند.

متونی که از یافته‌های نجع حمادی به دست می‌آید روزبه‌روز شواهد بیشتری در زمینه سنت گنوسی پولس به دست ما می‌دهد. بررسی کلی برخی از متونی که به والتین نسبت می‌دهند نشان می‌دهد بحث اصلی در این زمینه بر سر چیست.

جی. منارد^۲ می‌گوید بررسی اشارات کتاب مقدس در انجیل حقیقت نشان می‌دهد «تأثیر پولس بر این متن چقدر عمیق است». او می‌گوید جان مایه الاهیاتی این کتاب (ارتباط دوسویه بین خداوند و نخبگان) یکی از اصول آشکار اندیشه پولس است و می‌گوید این موضوع در ادبیات معاصر هلنیستی مثل و مانند ندارد. دومین

1. H. Ch. Puech

2. J. Menard

متن والتینی از همان مجموعه، به نام «نامه به رگینوس» نیز نشان می‌دهد عمیقاً تحت تأثیر پولس است. پوئش و کویسپل در این باره می‌گویند:

موضوعات اسطوره‌ای الهیات پولس، و به طریق اولی مشارکت مؤمنان در مرگ و رستاخیز مسیح، چنان‌که اغلب می‌گویند تأثیر بسیاری بر ادبیات کلیسایی سده دوم ندارد. ولی گنوسی‌ان ... مخصوصاً والتین و شاگردانش ... نیز (این موضوعات) را گرفته و قوام بخشیده‌اند. در واقع، مخصوصاً والتینی‌ها بودند که از «عرفان» پولس بسیار استقبال کردند و بر اساس نظم مخصوصی از آن بهره بردند ... در این متون حضرت پولس بالاترین احترام را دارد. این اثر از ابتدا تا انتها پر از اشارات متعدد به متون پولس است. چون به قول خود نویسنده (۲۴:۴۵) پولس واقعاً حضرت والا و از همه مهم‌تر «رسول یگانه مسیح» است.

نوشته چهارم این مجموعه (رساله سه بخشی) پس از اینکه اشارات بسیاری به نامه‌های پولس می‌کند در پایان (بنا به رأی کویسپل) با «دعای پولس رسول» به پایان می‌رسد که در آن رسول مسیح به عنوان یکی از نخبگان می‌خواهد که رستگار شود، کشف روحانی ملاً اعلیٰ نصیبش شود و با «نخبگان محبوب» ش یکی شود.

انجیل فیلیپ منبع دیگری را معرفی می‌کند که والتینی‌ها برای تفسیر پولس از آن استفاده می‌کنند. آر. ویلسون^۱ می‌گوید «شگفت‌انگیز» است که بحث نویسنده این متن در باب رستاخیز جسمانی «تا این حد به آرای پولس نزدیک است». به نظر ویلسون، نویسنده این متن، مثل نویسنده والتینی متونی که در بالا ذکر شد، قطعاً با نامه‌های یکم و دوم به رومیان، قرنتیان، غلاطیان و فیلیپیان آشنا است. آر. ام. گرانت^۲ می‌گوید اشاراتی هم به افسسیان، تسالونیکیان، کولسیان و عبرانیان دارد. مهم‌ترین بخش تفسیر گنوس (CG 11.1) تفسیری از تصویر بدن مسیح (نک: رومیان ۱:۱۲؛ قرنتیان ۱۲ و برخی عبارات افسسیان و کولسیان) است. نویسنده این متن تمام

1. R. Wilson

2. R. M. Grant

«اعضای بدن» را دعوت می‌کند تا کوچک و بزرگ در پیوند هماهنگی که در مسیح هست، یکدیگر را دوست بدانند و داشته‌هایشان را با هم تقسیم کنند.

این بررسی مختصر با اینکه کامل نیست نشان می‌دهد نویسنده‌ها و گروه‌های مختلف والنتینی تا چه میزان از موضوعات پولس تأثیر پذیرفته‌اند: ارتباط بین خدا و نخبگان، تعبیر از تعمیم به «مرگ در مسیح»، آموزه‌های پولس در باب رستاخیز، توصیه به مشارکت در بدن مسیح. این یافته‌ها نشان می‌دهد رأی والنتینی‌ها در تأثیرپذیری از پولس در شکل‌دهی به نظام الاهیاتی درست‌تر است، و تأثیرپذیری‌شان بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که محققان می‌اندیشند.

مطالعات سابق بر تفسیر والنتینی‌ها بدون در اختیار داشتن این متون صورت می‌گرفت و اغلب بر نوشته‌های بدعت‌شناسان تکیه داشت. جی. هنریتسی^۱ (گنوس والنتینی و متون مقدس، ۱۸۷۱) از تحقیقات خود نتیجه می‌گیرد که والنتینی‌ها مایل بودند تفسیر خود را مبتنی بر کتاب مقدس نشان دهند ولی چندان در این مسیر بر آیات کتاب تکیه نمی‌کردند. بنیان اصلی آنها در تفسیر، همواره گنوس و کمتر متون مقدس بود. سی. بارت^۲ (تفسیر عهد جدید بر اساس گنوس والنتینی، ۱۹۱۱) در پایان بحث خود می‌گوید «سابقه بنیان تعالیم والنتینی مثل تمام فرقه‌های گنوسی دیگر از خود مسیحیت قدیمی‌تر است ... عنصر مسیحی نیز عنصری مثل سایر عناصر بود، گویی قوی‌تر، که در این تلفیق وارد شد ... اگر فرض کنیم این آموزه‌ها بر کتاب مقدس مبتنی نیست کاملاً طبیعی است که بین گنوس و نویسندگان عهد جدید اختلاف نظر به وجود بیاید». ان. براکس^۳ و هانس یوناس^۴ با هنریتسی هم‌نظرند که می‌گوید اصل اساسی تفسیر گنوسی‌ان، گنوس است.

بر اساس منابعی که به‌تازگی به دست آمده است، می‌توان به نوشته‌های بدعت‌شناسان و تحقیقاتی که درباره آنها صورت گرفته است نگاه جدیدی کرد. چون نویسندگانی که نامشان در بالا آمد نه تنها اطلاعات خود، بلکه نیز قضاوت‌های ارزشی

1. G. Henrici

2. C. Barth

3. N. Brox

4. H. Jonas

و تفسیر اندیشه گنوسی شان را نیز از بدعت شناسان گرفتند. از جمله اینکه تمام این اندیشمندان این رأی را از ایرنایوس پذیرفته اند که می گوید گنوسیان در تفسیر خود به منابع نانوشته، یعنی منابعی غیر از متون مقدس تکیه می کنند و این منابع هر طور تهیه شده باشد از عهد جدید به دور است و به همین دلیل با سنت «معتبر مسیحی» بیگانه است. بر همین اساس هنریتسی، بارت و براکس هر سه این رأی ایرنایوس، ترتولیان و هیپولیتوس را پذیرفته اند که تفسیر گنوسیان از نامه های پولس مبتنی بر نوعی نظام اسطوره ای پیشامسیحی (و نه غیرمسیحی) است.

ولی ایرنایوس خود می پذیرد که پیروان والتین نه فقط ادعای تفسیر کاذب را مردود می دانند بلکه مخالفان خود را به دو دلیل محاکمه می کنند: یکی اینکه راست پنداران به منابع مکتوب خود نگاه انتقادی ندارند و دیگر اینکه از سنت خفیه ای که تفسیر حقیقی متون مقدس فقط با آن ممکن است بی بهره اند. آنها حتی معتقدند اهمیت متون نانوشته خودشان کمتر از سنت عقلانیت مخفی پولس نیست؛ کلیدی است برای فهم تفسیری. ایرنایوس در باب بیگانگی آنها از متون مقدس می گوید:

آنها رو برمی گردانند و متون مقدس را مردود می دانند و می گویند حجت صحیح نیست، می گویند ابهام دارد و هر کس سنت را نشناسد نمی تواند حقیقت را از متون مقدس بیرون بکشد. چون معتقدند حقیقت با متون مقدس انتقال پذیر نیست، بلکه در کلام زنده انتقال پذیر است، و پولس به همین دلیل می گوید «لکن حکمتی بیان می کنیم نزد کاملان^۱ اما حکمتی که از این عالم نیست (یکم قرن تیان ۲: ۶)».

ایرنایوس و ترتولیان معتقدند آرای والتینیان توهینی به پولس است. به نظر آنها، پاسبانان تفسیر درست در برابر تفسیر نادرست گنوسیان هستند و می گویند روش گنوسیان در واقع معنای کلام رسول مسیح را از بین می برد و به گمراهی می کشاند. ایرنایوس می گوید از روش تفسیر آنها نام می برد تا نشان دهد «چگونه خود را فریب

می دهند و با استفاده از متون مقدس می کوشند نوآوری^۱ کنند». ترتولیان مثل ایرنایوس معتقد است تفسیر گنوسیان نادرست است و آنها بر اساس دستور پولس به اینکه «همه چیز را تحقیق کنید» (یکم تسالونیکیان ۵: ۲۱) کارهای خود را توجیه می کنند. او می گوید آنها در تفسیر یکم قرنتیان ۱۱: ۱۹ «لازم است در میان شما بدعت ها نیز باشد تا که مقبولان از شما ظاهر گردند» واژه ها را «تفسیر به رأی» می کنند. ترتولیان خود در باب این مسائل با مسیحیان «پولسی» خود خوانده بحث دارد و هم آوا با رساله دوم پطرس می گوید برادران «بی علم و ناپایدار» نامه های «برادر حبیب ما پولس» را «تحریف می کنند» (رساله دوم پطرس ۳: ۱۶-۱۷).

ترتولیان و ایرنایوس می پذیرند که بحث بر سر تفسیر از پولس، به تشکیک در باب اعتبار متون پولس ختم شد. هر دو، والنتینی ها را متهم می کنند که برخی متون را گرفته و برخی متون را انداخته اند. ترتولیان چون می بیند برخی بدعت گذاران به اعتبار نامه های شبانی لطمه وارد می کنند می گوید «همان پولسی» که غلاطیان را نوشته است نامه به تیتوس را هم نوشته است. ایرنایوس در ابتدای رساله عظیم خود به نام رسول مسیح با گنوسیان روبه رو می شود و از نامه های شبانی، آیات یکم تیموتائوس ۱: ۴ و تیتوس ۳: ۹ را در تأیید رأی خود می آورد.

با مقایسه نوشته های بدعت شناسان و شواهد جدید می بینیم دو سنت معارض تفسیر پولسی از اواخر سده اول تا سده دوم در جریان بوده است. هر کدام از این دو سنت، یعنی مسیحی و پولسی، خود را برحق می دانند و فرقیان در این است که یکی پولس را ضدگنوسی و دیگری گنوسی می خوانند. به این ترتیب دو تصویر مخالف هم از پولس به دست می آید: پولس ضدگنوسی آن است که از سنت کلیسایی می بینیم و پولس گنوسی آن است که به کیش مندان گنوسی خرد می آموزد.

نامه های شبانی متعلق به سنت نخست است و پولس را مخالف «آموزگاران کاذب»ی معرفی می کند که «اسطوره ها و نسب شناسی های بی حساب و کتاب از نزد خود صادر می کند» و مؤمنان ساده اندیش را با «گنوس ادعایی و دروغین» خود فریب می دهد. ایرنایوس و ترتولیان بر سیره گروه نخست هستند و نامه های شبانی را (از نظر

اینکه به پولس متعلق است و پولس علیه گنوسیان طرح دعوا می‌کند) معتبر می‌دانند و می‌گویند پولس در مبارزه علیه گنوسیان در کنار آنها است. والتینی‌ها پیرو سنت دوم هستند و متون شبانی را نادیده می‌گیرند یا دور می‌زنند و فقط نامه به رومیان، یکم و دوم قرن‌تین، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان، یکم تسالونیکیان و عبرانیان را متعلق به پولس می‌دانند (نخستین متونی که در اسکندریه به نام نوشته‌های پولس مطرح شد عیناً شامل همین فهرست بود). این مفسران همان خرد مخفی را تعلیم می‌دهند که پولس «به نوآموزان» می‌دهد: شواهدی از تفاسیرشان در رساله رگینوس، دعای پولس رسول و تفسیر گنوس است.

متألهان و مفسران گنوسی چطور این ادعای شگفت‌انگیز را مطرح می‌کنند؟ تئودوتوس می‌گوید پولس از طریق تجربه وحیانی «رسول رستاخیز» می‌شود و به همین دلیل «هم‌زمان هر دو روش را تعلیم می‌دهد». از یک سو منجی را «حسب جسم» تعلیم می‌دهد که «به دنیا آمد و رنج کشید» و اصل اعتقادی «مسیح مصلوب» در انجیل اهل روان از اینجا می‌آید (یکم قرن‌تین ۲:۲). چون این «مقدار را می‌فهمیدند و از او می‌ترسیدند» ولی برای نخبگان مسیح را «حسب روح» تعلیم داد که «از روح و مادری باکره به دنیا آمد» (نک: رومیان ۱:۳). چون رسول مسیح می‌داند «هر کسی خداوند را به روش خود می‌شناسد و همه یک‌طور نمی‌شناسند».

پولس آموزه‌های روحانی خود را به شاگردش تئوداس و او به والتین و والتینی به حواریون کیش خود تعلیم داده است (نک: یکم قرن‌تین ۶:۲). به این ترتیب است که گنوسیان پولس را منبع سنت خفیه خود می‌دانند. هر کس این سنت شفاهی و ناپیدا را بداند می‌تواند معنای حقیقی متون مقدس را دریابد، و نامه‌های پولس نیز بخشی از آن است. رأی ایرنایوس به اینکه پیروان والتین بینش خود را از «منابع نانوشته» به دست می‌آورند مربوط به گنوس کلی یا اسطوره گنوسی نیست بلکه به اندیشه «راز سوفیا» اشاره دارد که به پولس منتسب است (نک: یکم قرن‌تین ۶:۲) که شاید اسطوره سقوط و نجات سوفیا نیز در آن بوده باشد.

والتینی‌ها ادعا می‌کنند بیشتر مسیحیان اشتباه می‌کنند و این متون را به معنای ظاهری آن می‌گیرند. آنها خود با تشرف به گنوس، این نامه‌ها (و تمام متون مقدس) را بر

سبیل استعاره می خوانند و می گویند رأی پولس این بوده است. فقط این خوانش روحانی است که «حقیقت» می بخشد و از «تصویر» بیرونی رها می کند.

والنتینی ها از این نظر با سایر مسیحیان هم رأی اند که پولس در رومیان از دو نوع نجات سخن می گوید که یکی با «اعمال» و بر اساس «قانون شریعت» به دست می آید و یکی آن است که نخبگان «از طریق فیض» به دست می آورند. ولی بیشتر مسیحیان این نامه را بر اساس تصویر ظاهری آن می خوانند که وحیی به یهودیان و وحی گسترده ای از طریق مسیح به غیریهودیان داده شده است. آنها به این مسئله توجه ندارند که پولس خود از رومیان ۲: ۲۸ به بعد می گوید «یهودی/غیریهودی» را نباید به معنای ظاهری فهمید:

زیرا آنکه در ظاهر است، یهودی نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نی. بلکه یهود آن است که در باطن باشد و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در حرف.

والنتینی ها می گویند این عبارت از پولس خود مجوزی بر تفسیر نمادین است. او در ظاهر کلام از ارتباط یهودیان با غیریهودیان سخن می گوید و مایل است کلامش بر سبیل استعاره (یعنی نمادین) خوانده شود. بر اساس این تفسیر، کلمات یهودی و غیریهودی در متن پولس به طور تمثیلی به گروه های مختلف مسیحیان اشاره دارد؛ به ترتیب اهل روان و اهل روح.

بر اساس این تفسیر، والنتینی ها می توانند تمام نامه های پولس را به طریق دیگری بخوانند. آنها معتقدند خوانش «ظاهری» یهودیان و غیریهودیان مربوط به گذشته و محدود به وضعیت تاریخی فرهنگی مشخصی است. مسئله امروز مسئله دیگری است و آن اینکه مسیحی روحانی چگونه باید به رازهای مخفی مسیح اشراف یابد و چگونه باید با توده مؤمنان «ساده اندیش» و «احمق» روبه رو شود. آنها معتقدند از همان ابتدا، از روزی که منجی انتخاب کرد معنای مخفی تمثیل هایش را فقط برای عده ای آشکار کند و آن را از «بیرونیان» (مرقس ۴: ۱۱) مخفی بدارد، جوامع مسیحی به گروهی «اندک شمار و برگزیده» و گروهی «خوانده شده و پرشمار» تقسیم شد. آنها معتقدند

پولس در نامه به رومیان همین مسئله مهم را بررسی می‌کند؛ یعنی ارتباط بین «برگزیدگان و نخبگان اندک‌شمار» و «خواننده‌شدگان پرشمار اهل روان».

ولی پولس هم مثل منجی کلامش را آشکار نمی‌گوید بلکه به تقلید از او معنا را در تمثیل پنهان می‌کند و مثلاً در نامه‌ای که به رومیان می‌نویسد یکی از اتفاقات جاری، یعنی ارتباط یهودیان و غیریهودیان، را مطرح می‌کند و در قالب این تمثیل وضعیت مسیحیان خوانده‌شده و نخبه، اهل روان و اهل روح را مطرح می‌کند.

مفسران والتینی همیشه می‌کوشند «لوگوس» مخفی تعالیم پولس را آشکار کنند و آن را از تمثیل‌هایی جدا کنند که معانی را از خوانندگان تعلیم‌ندیده پنهان می‌کنند. چون به قول پولس در رومیان ۲: ۲۸ کسانی که «یهودی باطنی» و «یهودی مخفی» و «اسرائیلی حقیقی» خوانده شده‌اند (حسب قول تئودوتوس) نخبگان اهل روح‌اند. فقط آنها هستند که «خدای واحد» (رومیان ۳: ۲۹) و «پدر لم یولد» را می‌پرستند. ولی چون ارتباطشان با پدر، مخفی است و از «یهودیان ظاهری (اهل روان)» و خدای صانع «خدای یهودیان (رومیان ۳: ۲۹)» دریغ شده است پولس اغلب در تمثیل‌های خود برای اشاره به نخبگان از کلمه «ختنه‌نشده» «غیریهودی» یا «یونانی» نام می‌برد.

خواننده تعلیم‌یافته وقتی می‌بیند پولس خود را «رسول غیریهودیان» می‌نامد (رومیان ۵: ۱) معنای کلام او را می‌فهمد. والتینی‌ها می‌گویند پولس با این عبارت مأموریت خود برای هدایت غیریهودیان روحانی را با مأموریت پطرس برای هدایت یهودیان اهل روان (غلاطیان ۲: ۷) مقایسه می‌کند. پولس می‌گوید رسول غیریهودیان است و می‌خواهد نعمت «روحانی» خود (رومیان ۱: ۱۱) را به آنها عطا کند ولی می‌گوید «هم برای یونانیان و هم برای بربرها» یعنی هم برای دانایان (اهل روح) و هم نادانان (اهل روان) مبعوث شده است (رومیان ۱: ۱۴).

والتینی‌ها می‌گویند این مسئولیت دوگانه باعث شده است پولس نامه‌هایش را، که در آن دین را تعلیم می‌دهد، «هم‌زمان به دو طریق» بنویسد. او منجی را برای اهل روان با کلامی که بفهمند تعریف می‌کند؛ یعنی معنای بیرونی و آشکار نامه‌هایش را شرح می‌دهد ولی برای اهل روح که «حقیقت» پنهان در «تصاویر»ش را می‌فهمند پیغامی عمیق‌تر دارد: آنچه آنها بر حسب روح می‌خوانند اهل روان بر حسب ظاهر

می خوانند.

والنتینی‌ها برای استخراج این تفسیر از نامه‌های پولس از چه ابزار تفسیری‌ای استفاده می‌کنند؟ موضوع اصلی تحقیق حاضر همین است. هنریتسی و بارت نیز همین موضوع را انتخاب کرده‌اند ولی نتایجی متفاوت با نگارنده گرفته‌اند.

روش این تحقیق به این ترتیب بود که در قدم اول برای هر قسمت از کتاب شواهدی از تفسیرهای والنتینی بر متونی که در سده دوم پولسی خوانده می‌شود گرد آوردیم. شواهد مزبور بر این اساس تهیه شد: نخست متون موجود از آموزگاران: والنتین، بطلمیوس، هرقلیون و تئودوتوس. دوم عباراتی از تفسیر والنتینی‌ها که در نوشته‌های ایرنایوس، هیپولیتوس، ترتولیان، کلمنت اسکندرانی موجود بود (خصوصاً *Excerpta ex Theodoto*) و در نوشته‌های ضد والنتینی که اریگن بر نامه‌های پولس نوشته است. سوم نقل قول‌ها و اشاراتی که در یافته‌های نجع حمادی به متون پولس شده است و اغلب معتقدند والنتینی هستند.

کشف شواهد جدید و مقایسه منابع تازه با هم، مخصوصاً برخی منابع که از کتاب‌های نجع حمادی به دست می‌آید، در آینده کامل‌تر خواهد شد. امیدوارم با بررسی دقیق‌تر متونی که استخراج و منتشر می‌شود، آرایه‌ای که در این کتاب مطرح شده بررسی و اصلاح شود و بسط یابد. (از جمله از استاد کویسپل شنیدم که در رساله چهارم مجموعه یونگ اشارات بسیاری به نوشته‌های پولسی شده است ولی دست‌نوشته این کتاب در آن زمان به پایان رسیده بود و امکان استفاده از آن در این پژوهش وجود نداشت).

در مرحله بعدی شواهدی را که یافته بودیم بر اساس هر یک از نامه‌هایی که والنتینی‌ها معتقدند به پولس متعلق است در کنار هم گذاشتیم و جورچینی شد: نامه به رومیان، یکم و دوم قرن‌تینان، غلاطیان، افسسیان، فیلیپیان، کولسیان و عبرانیان. (اشارات اندکی که به یکم و دوم تسالونیکیان شده بود در بخش‌های دیگر بررسی شد).

طبعاً برای سنجش علمی شواهدی که یافته‌ایم بررسی متون قبطی و یونانی ضروری است. ولی ما برای راحتی خوانندگان بخش‌هایی از متن یونانی رسالات را (که

بر اساس در دسترس بودن تفسیر والتینی انتخاب شد) ترجمه کردیم و در متن آوردیم تا نشان دهیم خوانش گنوسی بر چه متونی استوار است (نظیر یکم قرن‌تیا ۱۴:۲ «انسان نفسانی امور روح خدا را نمی‌پذیرد»). ذیل متنی که به این ترتیب آمده است بخش‌هایی از تفسیر والتینی را آورده‌ایم. در قسمت‌هایی که تفسیر والتینی برای آن بخش در اختیار نداشته‌ایم متن پولس را حذف کرده‌ایم. در جاهایی که تفسیر مشابهی در اختیار داشته‌ایم تفسیر والتینی را بر اساس آن بازسازی و پیشنهاد کرده‌ایم (البته با تمام نیازی که به وجود این متون هست کوشیده‌ام اینها در حداقل بماند. امیدوارم تحقیقات سایر محققان آنها را که درست است تأیید، و بقیه را اصلاح کند).

نکته آخر اینکه باید توجه داشت متن حاضر، پولس را چنان که در سده دوم شناخته می‌شده بررسی می‌کند. موضوع بررسی ما نه شخص پولس بلکه «پولس گنوسی» است؛ یعنی آن شخصی که از ورای منابع گنوسی سده دوم می‌شناسیم. ما در این متن ضمن بررسی تاریخ هرمنیوتیک در پی بازسازی تاریخی خود رسول مسیح یا مسائلی که در جامعه خود با آن روبه‌رو بود نیستیم، بلکه می‌خواهیم دو دیدگاه متناقض درباره پولس را که در سده دوم شکل گرفت بررسی کنیم.

بررسی انتقادی فرض‌های عهد جدید و مورخان درباره پولس رسول، به همان ترتیب که در ابتدای این بحث مطرح کردیم، برای هدف این تحقیق لازم است. فقط با کنارگذاشتن تصور مألوفی که از «پولس ضدگنوسی» داریم می‌توانیم بفهمیم چطور والتینی‌ها (و سایر گنوسیان) فرض مخالف را گرفته‌اند و رسالات پولس را بر سبیل خلاف می‌خوانده و تفسیر می‌کرده‌اند. در عین حال، نباید نسنجیده به آن سوی طیف برویم و ادعای گنوسیان را به عنوان حقیقتی «تاریخی» بپذیریم که می‌گفتند پولس خود، گنوسی و آموزگار این کیش بوده است! بررسی این مسئله نیاز به تحقیق بیشتر درباره شواهدی دارد که در این تحقیق آمده است و به همین دلیل از حوصله این مقال بیرون است.

این شواهد نشان می‌دهد فرض «پولس ضدگنوسی» چطور بر جریان تفسیرهای پولسی اثرگذار شده است. بخشی از آنچه تفسیر «تاریخی» از پولس و تحلیل «عینی»

نامه‌های او تلقی می‌شود اغلب در نوشته‌های بدعت‌شناسان سده دوم ریشه دارد. چون ایرنایوس، ترتولیان و اریگن (که هر سه از واژگان «گنوسی» که پولس اغلب استفاده می‌کند به وضوح شمرنده‌اند) مفصلاً در تفسیر نامه‌های او (آشکارا بر سیل ضدگنوسی) چیزهایی می‌گویند که محققان معاصر نیز عین همان حرف‌ها را تکرار می‌کنند. مثلاً بولتمان نیز در این دوران پولس را مدافع «عنصر اساسی مسیحیت» در حلقه‌های اولیه دینی می‌داند و برای اثبات این نقش برای پولس دست به تفسیر می‌زند. او با روش‌های نقد صوری می‌کوشد نشان دهد پولس هر جا از واژگان گنوسی استفاده می‌کند (مثلاً یکم قرن‌تیاں ۱۵) می‌خواهد با گنوسی‌ان ضدیت کند و در قرنت «برخلاف گنوسی‌کیشان جدل مفصلی کند». یو ویلکنز^۱ (عقل و جنون، ۱۹۵۹) در تفسیر باب دوم از رساله یکم قرن‌تیاں می‌گوید تعالیم پولس بر اساس عقلانیت و گنوس، مشخصاً در رد آرای گنوسی‌ان بوده است. من رد یا تأیید این ادعاها را به سایر محققان می‌سپارم و به این مسئله ورود نمی‌کنم. بررسی این مسئله از قلمرو این تحقیق بیرون است. مسئله ما صرفاً این است که تفسیرهای جایگزین به صورت پیشینی رد شده‌اند و هیچ وقت احتمالات جدی‌ای لحاظ نشده‌اند.

برای آن دسته از محققان عهد جدید که این سنت‌های گنوسی را بررسی می‌کنند این کتاب، منبعی تازه برای تحقیق است. نخست اینکه این سنت‌ها در گشودن گره از تفسیر بخش‌هایی از کتاب مقدس که محل مناقشه است کمک می‌کنند. دوم اینکه با تعریف نوعی روش جایگزین الاهیاتی، روش‌های دیگر را روشن‌تر می‌کند و می‌تواند آنها را به پرسش بکشد و توسعه ببخشد.

با این حال، آنچه برای مطالعه گنوسیه بسیار مهم است این است که تحلیل متعارف تفسیری و تاریخی صدر مسیحیت نمی‌تواند بخش مهمی از شواهد تفسیر گنوسی از پولس را توضیح دهد. اگر رسول مسیح تا این حد آشکارا ضدگنوسی بوده چطور گنوسی‌ان می‌توانستند او را آموزگار بزرگ روحانی خود قلمداد کنند؟ چطور می‌توانستند نوشته‌های او را منبع انسان‌شناسی خود قرار دهند؟ چطور می‌توانستند به «نوکیشان» این فرقه، الگوی تعلیم خرد مخفی و گنوس معرفی کنند؟ چطور

می‌توانستند الاهیات رستاخیزی او را برای خود به منبعی تبدیل کنند و کلمات او را به عنوان گواهی علیه اصول اعتقادی کلیسا برای رستاخیز جسمانی به کار ببرند؟
تلاش برای پاسخ دادن به این پرسش‌ها ما را نه با خود پولس و نه با موقعیت تاریخی او آشنا می‌کند بلکه به سمت منابع سده دومی سوق می‌دهد که مناقشات آن دوران در باب نوشته‌های پولس را می‌توان در آنها یافت.